



عزیزی بانک  
Azizi Bank

عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.

f in t y www.azizibank.af 1515

صفحه ۶



هلمند کپیوه پولیس خیل  
۱۱ ملگری په ډزو وژلي

صفحه ۶



بحران روز افزون در روابط کابل - اسلام‌آباد  
وزارت دفاع سفير پاکستان را احضار کرد

صفحه ۶



تحریم پاکستان به عنوان کشور حامی تروریسم

## تجار افغانستان "ایکو" را تحریم کرد



"ایکو ناکارآمدترین سازمان منطقه‌ی است"



جمهوری ازبکستان



جمهوری ترکیه



ترکمنستان



جمهوری تاجیکستان



جمهوری اسلامی ایران



جمهوری پاکستان



جمهوری قرغیزستان



جمهوری قزاقستان



جمهوری آذربایجان



جمهوری اسلامی افغانستان

صفحه ۳

صفحه ۳



گرامی داشت از روز زن در مجلس  
میزبان غایب بود!

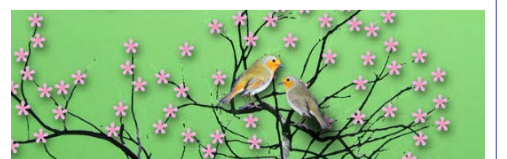
صفحه ۲

## دومین اشتباه روسیه در افغانستان



صفحه ۲

تک تک بهار و سترسیاسی با نوروز



احمد عمران



## سخن ماندگار تکتک بهار و ستیز سیاسی با نوروژ

امروز ۱۱ حوت ۱۳۹۵ است و باران و رطوبت روز گذشته، لطافت بهاری و نسیم باد نوروژی را برای همه‌مان به ارمغان آورده است. یعنی بیشتر از ۱۹ روز دیگر، به آغاز سال نو و بهار جدید باقی نمانده و کم‌کم انفاس خوش نوروژ و رستاخیز طبیعت به مشام می‌رسد و خداوند مهربان یک بار دیگر، جمال و کمال خویش را در این معاد زمینی به نمایش می‌گذارد و بنده‌گانش را به تفکر و تشکر فرا می‌خواند. اما این مژده و ابشار الهی از یکسو، و بدقلقی و انداز جاهلی از دیگرسو، عاشقان بهار و یاران نوروژ را هرسال به چالشی ناخواسته و احتجاجی اجباری می‌کشاند. امسال نیز با شروع آب شدن برف‌های زمستانی و آمدن بهار، بازار نوروژستیزی و دشمنی با جشن طبیعت، داغ شده و صدای تحریم نوروژ، پوشیدن لباس نو و مبارک‌گویی سال جدید از منبر برخی مساجد و درس‌خانه‌ها بلند شده است. اگرچه هر سال در این جدال شرعی و منطقی، دشمنان نوروژ شکست خورده‌اند و جز فروختن چهره و پنداندن رگ گردن، چیزی برای اثبات این ستیز و تحریم نداشته‌اند؛ اما بازهم به موازات فعالیت هر ساله نوروژستیزان ایجاب می‌کند که هرکدام‌مان به روشن‌گری در این باب ادامه دهیم و جشن نوروژ را از غبار این جدال‌ها، زلال و سرفراز بیرون بکشیم. اما به راستی نوروژ چیست و چرا برخی‌ها در حق آن ستم روا می‌دارند؟

برای پاسخ به این سوال، با توجه به ریشه‌های جشن نوروژ، می‌توان کتاب‌ها نوشت؛ اما در این مجال کوتاه باید گفت: نوروژ آغاز فصل بهار است و این آغاز در کشور ما، آغاز سال نو نیز می‌باشد. جشن نوروژ با تحویل سال یا لحظه برابری اعتدال بهاری شروع می‌شود؛ لحظه‌ای که خورشید در سیر ظاهری خود، در ابتدای برج حمل، از استواری زمین گذشته و به شمال آسمان میل می‌کند.

تعیین چنین زمانی از لحاظ علمی، بسیار مهم و دشوار بوده؛ اما نیاکان ما به این دانش دست یافته بودند و کاشت و برداشت خویش را بر اساس آن پی می‌گرفتند. از همین‌روست که نوروژ در حوزه کشورهای فارسی‌زبان، جشن و تعطیلی رسمی است و از آن به گرمی استقبال می‌شود. این جشن و استقبال نیز، سراسر ریشه در دانش و فطرت دانش‌دوست و زیبایی‌جوی بشر داشته و دارد. از همین جا بوده که با ورود آیین پاک و عقل‌گرای اسلام و آموزه‌های ناب محمدی، هیچ تحریم و ممانعتی بر جشن نوروژ اعمال نشد و این روز به راه خود ادامه داد. اما از آن زمان تا امروز، آنچه بر چهره نوروژ غبار سوال انداخته، تعصب توأم با جاهلیت، قوم‌گرایی، بداندیشی و تقلید از بدسگال‌ها و تعطیل عقلانیت بوده است.

جشن نوروژ به دلیل آن‌که نماد هویت، فرهنگ و عقلانیت نیاکان‌مان بود، مورد بخل و حقد مخالفان اولیه فرهنگ و هویت‌مان قرار گرفت و به تدریج با ابزار سیاست و بازی قدرت و حوادث تاریخی متعدد، چنان تولید و بازتولید شد که مورد تقلید صاحبان و میراث‌داران نوروژ نیز قرار گرفت و در عالم بی‌خبری، نسل‌ها را سفر کرد و به ما رسید. اکنون همه آن‌هایی که در افغانستان با نوروژ می‌ستیزند و بر طبل تحریم آن می‌کوبند، در ادامه این سریال تلخ تاریخی و بی‌خبر از بازی‌ها و پهلوهای سیاسی - هویتی آن قرار دارند. آن‌ها نمی‌دانند که زنده نگه داشتن نوروژ، زنده‌نگهداری هویت و عقلانیت نیاکان‌شان، ضمن ارج‌گزاری به آیین پاک اسلام، است. آن‌ها نمی‌دانند همه روایت‌ها و گزاره‌هایی که به نام دلایل شرعی مبنی بر تحریم نوروژ برای مردم می‌سرایند، یا از دستگاه‌های سیاسی جعل حدیث بیرون تراویده‌اند و یا این‌که دست‌کم هیچ‌یک قطعی‌الدلاله و ثبوت نیستند. آن‌ها نمی‌دانند که ستیزشان با نوروژ، ستیزی دیکته‌شده در رازنای تاریخ زبان و هویت غم‌بارشان است که در غیابت سواد و حافظه تاریخی، رونق گرفته و بدین جا رسیده است.

اگرچه می‌دانیم و یقین داریم که نوروژ همچنان «نوروژ» باقی می‌ماند و به‌رغم همه بدخواهی‌ها، در قلب تاریخ به راه خود ادامه می‌دهد؛ اما بازهم به نوروژستیزان بداندیش توصیه می‌کنیم که مطالعه کنند، سواد دینی و اسلامی‌شان را بالا ببرند و حافظه تاریخی‌شان را باز یابند؛ زیرا جنگ آن‌ها با نوروژ، همانند جنگ سهراب و رستم به تحریک افراسیاب است!

## دومین اشتباه روسیه

# در افغانستان

روسیه برای کاهش تهدیدها در مرزهای کشورهای که با آن‌ها روابط استراتژیک در آسیای میانه دارد، می‌تواند در همکاری با دولت افغانستان به نتایج بهتر و مطلوب‌تری دست پیدا کند تا کمک به گروه‌های شورشی و تروریست که به محض رسیدن به هدف‌هایشان، به دشمنان اصلی منافع روسیه تبدیل می‌شوند. طالبان در زمان سلطه خود بر افغانستان، همواره داعیه رسیدن به کشورهای آسیای میانه و حتی روسیه را داشتند و گام‌هایی نیز در رساندن کمک به گروه‌های اسلامی افراطی موجود در این کشور صورت دادند. اگر روسیه نتواند با درایت مسایل و واقعیت‌ها را بررسی کند، این تجربه می‌تواند بار دیگر تکرار شود

مقابله با تهدیدهای امنیتی هشدار می‌دهد، که برخی مقام‌های امنیتی افغانستان در شمال کشور می‌گویند که روسیه برای طالبان در ولسوالی امام‌صاحب ولایت کندز پایگاه آموزشی نظامی تأسیس کرده است. اگر این خبر آن‌گونه که مقام‌های شمال کشور مدعی‌اند واقعیت داشته باشد، می‌تواند زنگ خطر جدی برای امنیت افغانستان به شمار رود. به‌ویژه وقتی که مقام‌های شمال کشور مدعی‌اند که روسیه با تأسیس این‌گونه پایگاه‌ها سعی دارد که از افغانستان انتقام بگیرد.

اما آیا واقعاً چنین هست؟ آیا روسیه بدون در نظر داشت منافع افغانستان می‌خواهد که از میدان جنگ این کشور به سود خود استفاده کند؟

هنوز برای چنین سوال‌هایی پاسخ‌های روشن در دست نیست؛ ولی تحركات اخیر روسیه نشان می‌دهد که این کشور در حال بیرون شدن از وضعیت انفعالی در مورد مسایل منطقه و به ویژه افغانستان است. این‌که واقعاً روسیه با برقرار کردن تماس با طالبان و یا ساختن پایگاه برای این گروه در یکی از ولایت‌های مرزی کشور چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند، به صورت قاطع مشخص نیست، ولی بدون شک می‌تواند در تشدید ناآرامی‌ها و جنگ‌ها در افغانستان تأثیرهای منفی به‌جا گذارد.

پاکستان نیز تقریباً با همین رویکرد ولی با مقداری تفاوت در پانزده سال گذشته در اوضاع افغانستان همواره دخالت کرده است. هرچند که هدف‌های پاکستان و روسیه در منطقه و به ویژه در مورد افغانستان می‌تواند تفاوت‌های ماهوی و بنیادی داشته باشد، اما اثرات آن بر اوضاع افغانستان یکسان است.

گروه‌های شورشی در هر لباسی که باشند، برای افغانستان به عنوان تهدید به شمار می‌روند و حمایت از این گروه‌ها به بدتر شدن وضعیت در این کشور می‌انجامد. پاکستان نیز با تقسیم طالبان به طالبان پاکستانی و افغانستانی، همواره مواضع دوگانه در برابر این دو گروه داشته است. اگر یکی از این گروه‌ها را یعنی طالبان پاکستانی را به شکلی مغایر با سیاست‌های خود تلقی کرده، ولی از طالبان افغانستان حمایت کرده و حتی به عنوان متحدان استراتژیک خود به آن‌ها نگرسته است. چنین سیاستی اگر از سوی روسیه نیز دنبال شود، نه تنها به امنیت و ثبات منطقه کمکی نمی‌رساند، بل بیشتر اوضاع را به

سمت وخامت خواهد برد. این‌که روسیه نگران کشورهای آسیای میانه و به تبع آن، نگران امنیت خود هست، نکته‌ی قابل درک و برداشت است؛ اما نمی‌توان با کمک به طالبان و گروه‌های افراطی، امنیت در این مناطق را تأمین کرد و یا در برابر سیاست‌های امریکا و ناتو مانع به وجود آورد. شاید یکی از دلایل فعال شدن روسیه در مسایل افغانستان، ناشی از تقابل‌هایی باشد که این کشور با ناتو در مرزهای اروپایی‌اش دارد. ناتو تلاش دارد که در کشورهای هم‌مرز با روسیه در اروپا پایگاه نظامی تأسیس کند و این مسأله با واکنش تند مقام‌های روسیه روبه‌رو شده است. روسیه شاید بخواهد با نزدیکی به طالبان و یا فعال شدن بیشتر در مسایل افغانستان، این پیام را به ناتو منتقل کند که این کشور نیز گزینه‌هایی دارد که می‌تواند منافع ناتو را تهدید کند. اما این تهدید به چه بهایی برای افغانستان می‌تواند تمام شود؟ پیامدهای آن برای افغانستان بدون شک فاجعه‌بار خواهد بود و هرگونه شکل‌گیری مقاومت جدی منطقه‌ی را در برابر افراط‌گرایی و تروریسم به ناکامی خواهد رساند. این وضعیت سبب خواهد شد که جنگ و ناامنی‌های افغانستان برای مدت‌های نامعلومی همچنان از مردم این کشور قربانی بگیرد.

روسیه دشمنی خود با ناتو را به گونه‌های دیگری باید پی‌گیری کند، آن‌گونه که ثبات و امنیت در منطقه را به بحران نکشاند. اما در یک نگاه کلی، تلاش‌های فعلی روسیه به نفع افغانستان نیست و روابط خوب دو کشور را صدمه خواهد زد. روسیه برای کاهش تهدیدها در مرزهای کشورهای که با آن‌ها روابط استراتژیک در آسیای میانه دارد، می‌تواند در همکاری با دولت افغانستان به نتایج بهتر و مطلوب‌تری دست پیدا کند تا کمک به گروه‌های شورشی و تروریست که به محض رسیدن به هدف‌هایشان، به دشمنان اصلی منافع روسیه تبدیل می‌شوند.

طالبان در زمان سلطه خود بر افغانستان، همواره داعیه رسیدن به کشورهای آسیای میانه و حتی روسیه را داشتند و گام‌هایی نیز در رساندن کمک به گروه‌های اسلامی افراطی موجود در این کشور صورت دادند. اگر روسیه نتواند با درایت مسایل و واقعیت‌ها را بررسی کند، این تجربه می‌تواند بار دیگر تکرار شود.

## گرامی داشت از روز زن در مجلس

# میزبان غایب بود!

مقاصد تجاری و خوش گذرانی استفاده می کند. اما داکتر صادق مشاور دفتر حمایت از تساوی حقوق زنان سازمان ملل برای افغانستان نیز تصویب قانون منع آزار و اذیت زنان افغانستان را یک دست آورد خواند و از دولت افغانستان خواست به وعده های که در راستای حقوق زنان داده، عمل کند. او تصویب این قانون را فرصت خوبی برای ترقی زنان در جهت دست یابی به مساوات عنوان کرد. نسرین کروز مشاور امور زنان ریاست اجرایی گفت، زنان در کشور هنوز هم قربانی تصامیم خانواده های شان می شوند و خشونت علیه آنان روا داشته می شود. سپوژمی وردک معین وزارت زنان نیز گفت که اگر دولت می خواهد به زنان حقوق مساوی دهد باید با راه اندازی برنامه آگاهی دهی قوی، ذهنیت ها را در برابر زنان تغییر بدهد. به گفته وی، زنان هنوز هم به صورت جدی در خانه و اجتماع مورد تبعیض قرار می گیرند.

همه مهمان اند و میزبان وجود ندارد؛ ای کاش پیام ما به میزبانها هم برسد! خانم یزدان پرست به وضعیت زنان در کشور اشاره کرد و گفت که زن در کشور شناخته نشده باقی مانده و تمام کارهایی که در راستای دست یابی حقوق زنان صورت گرفته در ۱۶ سال گذشته نمایشی بوده است و باید زنان ۵۰ در صد در تمام بخش های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور سهم داشته باشند. اما عرفان الله عرفان نایب منشی مجلس نماینده گان بر عدالت در راستای حقوق زنان تاکید کرد و گفت که تامین حقوق مساوی برای زنان ظلم در حق آنان است و جهانیان از این بحث به نفع تجارت شان استفاده می کنند. آقای عرفان افزود، "هدف اساسی دین اسلام حفاظت از عزت نفس و بشریت زنان است و تاکید دین اسلام نیز بر تامین عدالت برای زنان است نه مساوات؛ از نگاه دین اسلام مساوات بر زنان ظلم است". به گفته وی، امروزه جهان غرب با شعارهای تساوی حقوق زنان و مردان، در واقع از زنان به هدف دست یابی به

مجلس نماینده گان از روز جهانی زنان تجلیل کرد؛ اما تنها یک نماینده زن و یک نماینده مرد در این مراسم حضور داشتند. در مراسم تجلیل از هشتم مارچ که روز سه شنبه (۱۰ حوت) از سوی مجلس نماینده گان برگزار شده بود، تنها مریم کوفی و عرفان الله عرفان دو عضو مجلس حضور داشتند. متیاقی همه کارمندان شورای ملی و مهمانانی بودند که از بیرون مجلس دعوت شده بودند. حضور کم رنگ نماینده گان زن در این مجلس جالب توجه شماری از مهمانان حاضر در مراسم نیز شد و آنان از این مساله به شدت انتقاد کرد و آنان را بی اعتنائی نماینده گان زن به حقوق زنان در کشور خواندند. به گفته آنان، نماینده گان زن در مجلس به منظور مشارکت سیاسی زنان در کشور مراسم دایر می کنند اما خود شان به این دادخواهی باور ندارند. قدریه یزدان پرست عضو کمیسیون حقوق بشر افغانستان به حاضران مراسم گفت: "نماینده گان پارلمان ما را در مراسم تجلیل از روز زنان دعوت کرده اند اما خودشان حضور ندارند؛



## تجار افغانستان "ایکو" را تحریم کرد

# "ایکو" ناکارآمدترین سازمان منطقه ای است"

سازمان ایکو نیستند. این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد که کشورهای عضو ایکو به بلوغ و تفکر سیاسی نرسیده اند تا بتوانند همکاری های اقتصادی را بر منافع کوتاه مدت یا درازمدت سیاسی شان ترجیح بدهند. به باور او: آنان هنوز فرهنگ، ضرورت و نیازمندی توسعه اقتصادی را برای مردم نیازمند خود درک نکرده اند و همه این کشورهای درگیر مسایل سیاسی و امنیتی مختلف هستند. پیش از این، سرتاج عزیز، مشاور نخست وزیر پاکستان گفته بود که سران بیشتر کشورهای عضو به شمول صلاح الدین ربانی وزیر خارجه افغانستان در این نشست شرکت می کنند. روابط افغانستان و پاکستان پس از آن تیره شد که پاکستان بعد از چند حمله تروریستی در آن کشور، ادعا کرد که این حملات در افغانستان سازماندهی شده است. دولت پاکستان در واکنش به این حمله ها مرزهایش را با افغانستان بست و عملیات موشکی را در مرزهای افغانستان آغاز کرد. انتظار می رود در جریان این نشست ها امور سازمان ایکو در سایه شرایط جدید جهانی و منطقه ای بررسی شود و با این مسئله که روند اقدامات سازمان ایکو باید مسیر توسعه همکاری های اقتصادی منطقه ای را پیش بگیرد، موافقت شده است. سازمان همکاری های اقتصادی (ایکو) یک سازمان منطقه ای دولتی محسوب می گردد که در سال ۱۹۸۵ از سوی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه با هدف پیش برد همکاری های اقتصادی، فنی و فرهنگی میان کشورهای عضو تأسیس گردید. ایکو در واقع جانشین سازمان همکاری منطقه ای برای توسعه (RCD) می باشد که از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹ موجودیت داشت. در سال ۱۹۹۲، این سازمان هفت عضو کشور جدید را به عضویت پذیرفت که عبارتند از، افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان می باشد.



حدود ۴۰۰ میلیون نفوس، بیش از یک تریلیون دالر درآمد و بزرگترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند، اما سیاستها و دیدگاههای این کشورها نسبت به هم ناهمگون و متناقض است. این آگاه اقتصادی بر این باور است که اهداف نشست های ایکو تنها روی کاغذ بوده و این بار نیز روی کاغذ باقی خواهد ماند. او می گوید: یک اقدام نسبی در راستای خط آهن افغانستان- ایران- ترکمنستان و چین برداشته شده که به باور من، عملی نیست و تنها طرح وجود دارد. آقای سیحون در پاسخ به این پرسش که اشتراک سران حکومت وحدت ملی در این نشست چه اهمیتی می تواند داشته باشد، گفت: اشتراک در یک بلوک، بهتر است از اشتراک نکردن؛ زیرا افغانستان در سالهای گذشته، محل ترانزیت گاز، انتقال برق به جنوب آسیا و پل ارتباطی بین جنوب آسیا و آسیای میانه بوده است، از این جهت، افغانستان فرصت دارد تا در این نشست دیدگاههای خود را در رابطه به همکاری های منطقه ای، توسعه زیرساخت های منطقه ای مطرح کند، هرچند این برنامه ها جزء اهداف

که سازمان ایکو در طول حیات خود تنها برنامه ریزی کرده و طرح پیشنهاد داده است؛ اما هیچ اقدام عملی از این سازمان به مشاهده نرسیده است. به گفته پژوهشگران حوزه اقتصاد، کشورهای عضو ایکو از آنجا که به "بلوغ سیاسی" نرسیده اند و همه شان درگیر مسایل سیاسی و امنیتی هستند، همکاری های اقتصادی را بر منافع کوتاه مدت یا درازمدت سیاسی شان ترجیح نخواهند داد. سیف الدین سیحون، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل به روزنامه ماندگار می گوید: سازمان ایکو از جمله غیرفعال ترین، ناکارآمدترین و منزوی ترین سازمان های اقتصادی منطقه ای است. این سازمان اهداف و برنامه هایی را برای خود تعیین کرده است که قابل دسترس نمی باشد و هیچ اقدامی هم در زمینه اهداف و دورنماهای شان انجام نداده اند. آقای سیحون با اشاره به این کموضعیت اقتصادی کشورهای عضو سازمان ایکو هیچ گونه هم نوایی و هم خوانی با هم دیگر ندارد، افزود: "اعضای ایکو کشورهایی هستند که در

## روح الله بهزاد

اتفاق تجارت و صنایع افغانستان از حضور در نشست ایکو در اسلام آباد خودداری کرده است. وزارت خارجه افغانستان نیز می گوید که سفیر این کشور در اسلام آباد در نشست ایکو اشتراک می کند. خیرالله آزاد، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه در گفت و گو با روزنامه ماندگار می گوید: با توجه به این که این نشست در اسلام آباد برگزار می گردد و به دلیل حساسیت هایی که در این نشست اشتراک نکردند و به نمایندگی از افغانستان، عمر زاخیل وال، سفیر افغانستان در اسلام آباد در نشست ایکو اشتراک می کند. آقای آزاد در پیوند به اهمیت این سازمان برای افغانستان گفت: "از آنجا که تاکید بیشتر این سازمان بر تسهیل تجارت و ترانزیت بین کشورهای عضو است، این سازمان برای افغانستان اهمیت می یابد. افغانستان می تواند در چارچوب این سازمان، اهداف همکاری های اقتصادی منطقه ای تعیین شده اش را دنبال کند." معاون سخنگوی وزارت خارجه خاطر نشان کرد: افغانستان یکی از چهارراه های اتصال منطقه ای است که جنوب آسیا را با آسیای میانه و هم چنان خاورمیانه را با آسیای میانه وصل می کند و این مسیر، مسیر بسیار مهم انتقال انرژی میان منطقه آسیا به حساب می آید، بر همین اساس، عضویت افغانستان در این سازمان اهمیت پیدا می کند. با این حال، اتفاق تجارت و صنایع افغانستان از تحریم این نشست خبر می دهد. خان جان الکوزی، معاون اتفاق تجارت و صنایع می گوید که آنان این نشست را در پاکستان تحریم کرده و در این مورد شکایات زیادی را به سکرتریت سازمان ایکو ارسال می کنند. او افزود: "فردا (امروز) اول مارچ جلسه رهبری اتاق های تجارت سازمان ایکو در اسلام آباد است؛ اما ما رسماً آن را تحریم می کنیم. تا نورم های اصولی و قانونی در سازمان ایکو و سارک در نظر گرفته نشود، این سازمان یک سازمان به نام است." آگاهان اقتصادی، سازمان ایکو را یکی از غیرفعال ترین، ناکارآمدترین و منزوی ترین سازمان های منطقه ای می دانند. آنان در حالی که ضرورت و اهمیت این سازمان را بسیار مهم می دانند، اما بر این باور اند



## بخشش!

### رازِ پیشرفت در زنده‌گی

گذشتن از خود و بخشیدن دیگران، هنری بزرگ و قابل تقدیر است. البته برای کسانی که برای زنده‌گی اکنون خویش، ارزش قابل هستند. هنر بخشش، یک امتیاز مثبت برای کسانی است که در زنده‌گی خود را معطل هر چیزی نمی‌کنند و به حرکت به سمت جلو و پیشرفت می‌اندیشند.

به این جملات نگاه کنید:

"من هرگز پدرم را به خاطر کاری که کرد، نخواهم بخشید."  
"از اشتباهی که کردم، غمگینم و نمی‌توانم خودم را ببخشم."

این جملات به نظر تان آشنا نیستند؟ این‌ها جملاتی هستند که هر یک از ما ممکن است بارها با آن روبه‌رو شده باشیم. اما مهم این است که برای این پرسش‌ها و جملات چه راهکاری در ذهن داریم. مسلماً اگر قدرت بخشش دیگران را نداشته باشیم، در واقع گامی در راستای اصلاح وضعیت موجود برنداشته‌ایم و همچنان در گذشته زنده‌گی کرده‌ایم. اگر قدرت بخشیدن خود را نداشته باشیم، به این معناست که در اشتباه باقی مانده‌ایم و دائماً خود را از درون سرزنش می‌کنیم و این احساس ما را دچار دل‌تنگی و آزرده‌گی می‌کند. به این ترتیب خود موجب شده‌ایم تا در یک رنج و عذاب روحی باقی بمانیم. برخی از افراد به گونه‌ی رفتار می‌کنند که به نظر می‌رسد تصور و درکی وارونه از بخشیدن در ذهن دارند. مثلاً کسی که نمی‌تواند مادر یا پدر خویش را به خاطر تندخویی‌اش ببخشد، به این خاطر است که دائماً آن‌ها را مقصر می‌داند و همه مشکلات را به سوی آن‌ها سوق می‌دهد و این در حالی است که این مشکل بیش از آن‌که به پدر و مادر یا هرکس دیگری مربوط باشد، به خود شما ارتباط پیدا می‌کند. چرا که شما بیش از هر کسی می‌توانید در خود تغییر ایجاد کنید و این بهترین و سریع‌ترین راه برای پیشرفت و کمال است که در خود حس بخشش را ایجاد کنید و همیشه این‌طور فکر کنید که دیگران قابل تغییر نیستند یا اگر هم باشند، این کار بسیار سخت است؛ اما پذیرش و وسعت قلب‌تان برای بخشیدن دیگران، احتمالاً ساده‌ترین و زیباترین اقدام ممکن است.

چنان‌چه نتوانیم به راحتی دیگران را ببخشیم، خوشتن را بیش از هر کسی اذیت کرده‌ایم. در اغلب موارد، فرد خاطی از این‌که در ذهن شما چه می‌گذرد، هیچ اطلاعی ندارد و به زنده‌گی خویش مشغول است و این در حالی است که شما خود را مشغول افکار و احساسات منفی می‌کنید. فراموش نکنید که بخشیدن، راز سالم ماندن، جوان ماندن و نشاط در زنده‌گی است. اگر من نتوانم مادر همسر را ببخشم، به دلیل این‌که مرا به یک مهمانی دعوت نکرده یا سخنی گفته که مرا ناراحت کرده است، این من هستم که بیشترین ضربه را می‌خورم و به خاطر این موضوع حرص می‌خورم و درون خود را شلوغ می‌کنم. همین شلوغی و ناراحتی، موجب می‌شود تا نتوانم راحت بخوابم و رفتار مناسبی با همسر و فرزندم داشته باشم. بنابراین این من هستم که پذیرای انواع و اقسام مشکلات شده‌ام و فرصت شادمانی را از دست داده‌ام. فراموش نکنید که بخشیدن راز سالم ماندن، جوان ماندن و پیشرفت در زنده‌گی است.

با سرزنش دیگران، به هیچ نتیجه مثبتی نمی‌رسیم جز این‌که اوضاع را برای خود پیچیده‌تر می‌کنیم. پس بهتر است همیشه به بخشش فکر کنیم. به بخشش واقعی. بخششی که با فراموش کردن تمام کینه‌ها همراه باشد و از ته دل باشد.

و خواهان ایجاد سیاست‌های شفاف و صریح هستند. آن‌ها مدعی‌اند که امور سیاسی باید ساده و صریح بوده و در واقع تجسم خرد مردمان ساده باشد. به این ترتیب، پوپولیسم ابتکارات سیاسی پیچیده و فنی را فاقد مشروعیت می‌کند. البته بیان ادعای ساده‌گی و صراحت تا حدی موجب موفقیت پوپولیسم می‌شود، چرا که احزاب دیگر مجبور می‌شوند مواضع خود را هم در مخالفت با ادعاهای پوپولیستی و هم به پیروی از سبک ساده پوپولیسم بازسازی کنند. توسل مکرر به مردم، به پوپولیست‌ها امکان می‌دهد تا با دست و پا کردن وجهه‌ی دموکراتیک برای خود بتوانند سیاست‌های دموکراتیک مبتنی بر نماینده‌گی را رد کنند. چنان‌که به نظر کورن هاوزر، دموکراسی پوپولیستی با مشارکت مستقیم مردم، نهادها و نظام‌های سیاسی پارلمانی را تضعیف و آزادی افراد را کاهش می‌دهد. زیرا در دموکراسی پوپولیستی، مردم به دلیل این‌که یک‌پارچه فرض می‌شوند، دست بالا را دارند. اما رهبری فعالانه، آموزش و برانگیختن توده‌های مردم به وسیله حکومت پوپولیستی، دست‌کم به این معناست که اراده مردم از بالا پدید می‌آید نه از پایین (تاگارت، ۱۳۸۱).

۲) ایجاد جامعه توده‌ی: مفهوم پوپولیستی مردم اساساً مبتنی بر یک‌پارچه‌گی و انسجام است. البته عامل انسجام نه امری اجتماعی، بلکه روانی است. مردم چون تنی واحد بازنموده و چون موجودیتی متحد و هم‌بسته و میرا از تقسیمات طبیعی و بنیادی پنداشته می‌شود. در اندیشه پوپولیستی مردم شکل یافته و خودآگاه هستند و همین ویژه‌گی است که آنان را به سوزهای ساده‌ی تبدیل می‌کند. توسل به مردم به ساده‌گی امکان‌پذیر می‌شود. پوپولیست‌ها برای این‌که بگویند چه کسی هستند، به نام مردم سخن می‌گویند. پوپولیسم اگرچه در عمل به حمایت طبقات خاصی وابسته است، اما غالباً در نظریه فراتر از طبقه و حتا بی‌طبقه تلقی می‌شود. مردم را توده‌ی یکدست و همگون تبلیغ می‌کنند و معتقدند مردم به واسطه جمعی بودن، خرد را به وجود می‌آورند. پوپولیسم منافع جامعه را از زبان حزب مسلط بیان می‌کند و حزب مسلط را عامل آزادی و توسعه اقتصادی تبلیغ می‌کند (تاگارت، ۱۳۸۱). پوپولیست‌ها همواره تایید سیاست‌های خویش را نه در مجامع کارشناسانه، که آشکارا در میادین بزرگ شهرها و در ارتباط رودرو با توده مردم می‌جویند.

واسطه تفکیک‌پذیری ساختی است و به لحاظ فرهنگی به دنیوی شدن، عقلانیت، علم‌گرایی، سلب امور فرهنگی از نظام دین‌یاری و بیعت با ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه ناظر است (محمدی اصل، ۱۳۸۵). بنابراین جریان گذار اجتماع سنتی به جامعه نوین در ابعاد مختلف به ساده‌گی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه تا رسیدن نقطه تعادل و ثبات، مشکلات و گاه بحران‌هایی را موجب می‌گردد. در این هنگام برای پاسخ به احساس وقوع بحران و فروپاشی اخلاقی، فردی با ویژه‌گی‌هایی کاریمزایی ظهور کرده و با دادن شعارهای جذاب و امیدوارکننده برای هواداران بالقوه خود در چنین دوران‌های دشوار، آرامش بزرگی به همراه می‌آورد. به این معنی که مشکلات جامعه را همان اموری قلمداد می‌کند که مدرنیته به ارمغان آورده و موجب اختلال در نظم و هماهنگی سنتی شده است. لذا به انتقاد از دستاوردهای مدرنیته چون نظام دموکراسی پارلمانی، تعدد احزاب سیاسی، تنوع اجتماعی، فردگرایی، نخبه‌گرایی، مادی‌گرایی و سکولاریزم می‌پردازد و در مقابل دموکراسی مستقیم، برچیدن تعدد احزاب، هم‌شکل کردن توده، جمع‌گرایی، عامه‌گرایی، آخرت‌گرایی و دین‌گرایی را مورد ستایش قرار می‌دهد. بدین ترتیب امید واهی به جامعه تزریق نموده و با سوار شدن بر موج احساسات توده‌ی، رسیدن به جزیره سعادت و کمال را به پیروان خود بشارت می‌دهد. بر همین اساس هست که تورکواتودی تلا پوپولیسم را محصول فرایند توسعه جوامع به سمت مدرنیته و پل تاگارت نیز آن را واکنشی به عنصر سیاسی مدرنیته یعنی نظام لیبرال دموکراسی می‌داند (تاگارت، ۱۳۸۱).

#### ویژه‌گی‌های پوپولیسم

صاحب‌نظران از دیدگاه‌های مختلف، ویژه‌گی‌هایی را برای پوپولیسم برشمرده‌اند. (تاگارت، ۱۳۸۱: ۲۹ و ۳۸). در این نوشته با استفاده از نظریات مختلف، خصوصاً نظریه تاگارت، ویژه‌گی‌های پوپولیسم در پنج ویژه‌گی اصلی خلاصه گردیده است:

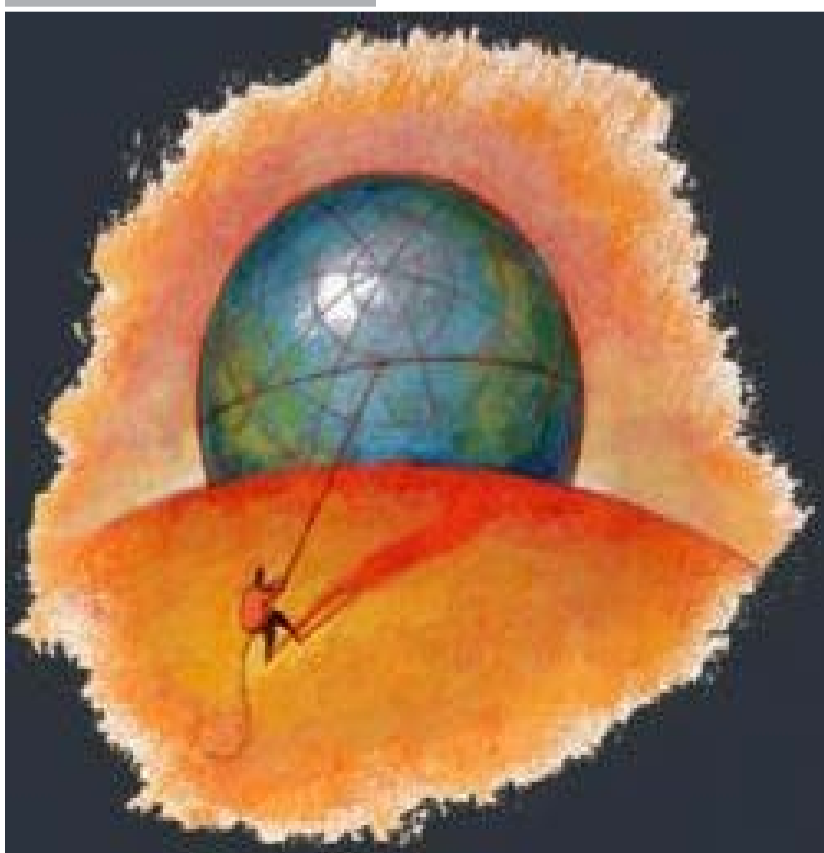
۱) دشمنی با نظام‌های دموکراسی پارلمانی: در نظام‌های دموکراسی پارلمانی یا مبتنی بر نماینده‌گی، خواسته‌های مردم توسط نماینده‌گان منتخب آن‌ها و از طریق نهادها و نظام‌های سیاسی برکسی می‌نشیند. اما پوپولیست‌ها به دلیل دشمنی با نهادها، به ایجاد اشکال ساده‌تری از سازماندهی گرایش داشته

#### رحیم زایرکعبه

پوپولیسم از واژه لاتین popularis یا populous به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده و به واژه‌هایی چون مردم‌انگیزی، عوام‌گرایی و مردم‌باوری ترجمه شده است. پوپولیسم پدیده متنوع و فاقد جوهری خاص می‌باشد و در نتیجه به راحتی قابل تعریف نیست. اما می‌توان گفت پوپولیسم به معنای دموکراسی مستقیمی است که حکومت‌های دیکتاتوری با دستاویز قرار دادن آن، اذهان عمومی را فریب می‌دهند. یعنی با بهانه قرار دادن عدم مشارکت مردم در دموکراسی پارلمانی، آنان را به اسم مشارکت سیاسی در راستای منافع خود بسج می‌کند و نوعی امید واهی به جامعه تزریق می‌کنند (تاگارت، ۱۳۸۱). به عبارتی، ویژه‌گی‌های کلی پوپولیسم عبارت‌اند از: ۱- جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مهم و معمولاً تحت کنترل رهبر فرهمند و شعارهای ضدامپریالیستی. ۲- پیشبرد اهداف سیاسی، مستقل از نهادها و احزاب موجود، با فراخوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت. ۳- بزرگداشت و تقدیس مردم، با اعتقاد به این‌که هدف‌های سیاسی باید به اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمان‌های سیاسی پیش برود (ابوظالبی، ۱۳۸۷).

#### علل اجتماعی ظهور پوپولیسم

ظهور پوپولیسم را از زوایای گوناگونی چون روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی می‌توان مورد بررسی قرار داد. اما در این نوشته، ظهور پوپولیسم در کشورهای جهان سوم از زاویه جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفته است. از این زاویه می‌توان استدلال نمود که پوپولیسم در کشورهای جهان سوم در واکنش به درون‌مایه غربی فرایند نوسازی (ationzMoberni) به مثابه جریان گذار اجتماع سنتی به جامعه نوین در ابعاد مختلف خودنمایی می‌کند. در واقع نوسازی به لحاظ اقتصادی و در تمایز از صنعتی شدن، متضمن تقسیم کار، استفاده از مدیریت علمی، پیشرفت فنی و رشد تسهیلات بازرگانی است؛ به لحاظ سیاسی از بسط احزاب، پارلمان، انتخابات مخفی و مشارکت جمعی در تصمیم‌گیری‌ها حکایت دارد؛ به لحاظ اجتماعی نشانگر افزایش باسوادی، رشد شهرنشینی و کاهش اقتدار سنت به



# دموکراسی سیاسی؛ رستم و پستو

**جواد عاطفه**

«ساعت‌ها» با خودکشی «ویرجینیا وولف» آغاز و با مرگ «ریچارد» (شاعر) پایان می‌یابد. «مایکل کانینگهام» با دست‌مایه قرار دادن زنده‌گی ویرجینیا وولف و نگاهی به رمان «خانم دالووی» او هم‌چنین تکثیر فضا و ایده «وولف» بر دیگر افراد رمان به ساختاری محکم و منسجم در «ساعت‌ها» رسیده است.

رمان از دید سه شخصیت (ویرجینیا وولف، لورا براون و کلاریسا دالووی) تعریف می‌شود. زمان رمان در هر سه روایت یک روز از ماه جون است. روزی که به عقیده وولف، «می‌تواند روز خیلی خوبی باشد».

هر سه روایت صبح شروع و شب به پایان راه می‌رسد. در هر سه روایت راوی زن است و این بی‌شک تعمد نویسنده به زن‌محوری بودن اثر و دیدن دنیا از دریچه نگاه زن برمی‌گردد که او را تا حدی وفادار و وامدار «ویرجینیا وولف» می‌کند. حس غالب رمان حس هم‌جنس‌خواهی شخصیت‌هاست. هر کدام از شخصیت‌ها به نوعی درگیر این پدیده عصر مدرن می‌شوند.

اکثر شخصیت‌های رمان سرخورده‌اند و این سرخورده‌گی تا آن‌جا پیش می‌رود که هر یک با اطمینان کامل از زنده‌گی تلف شده و گذشته خود حرف می‌زنند. ناراضی و شکوگر از موقعیت‌های خود، هر کس به دنبال مفری است تا از بندهای این زندان زنده‌گی آزاد شود. همان‌قدر که «وولف» از دیدن پرنده مرده و تابوت پر از گل ساخته دست خواهرزاده‌هایش مسحور می‌شود، «براون» با ساختن و درست کردن کیک و «کلاریسا» با انتظار دیدن ستاره سینما، سرگرم و مشغول‌اند. دل‌مشغولی‌هایی عبث و خالی از هر نوع دل‌بسته‌گی به اصل آن، اما با وجود این‌ها هر کدام از این کارها حس سرخورده‌گی را در آنان دوچندان می‌کند. هر سه نگاهی متفاوت با زاویه دیدی مشترک نسبت به مرگ دارند. «وولف» مرگ و رستاخیز را مسحورکننده، «لورا» مرگ را کاری راحت هم‌چون گرفتن یک اتاق در هتل و «کلاریسا» مراقبت‌های دخترتری بزرگ‌سال و آسایش درون یک اتاق می‌داند؛ وولف در بطن مرگ، لورا در تردید و یقین به عمل آن، و کلاریسا در حاشیه‌اش.

مرگی که «لورا براون» در ذهن و فکرش می‌پروراند در «ریچارد» (پسرش) به کمال رسیده و از ذهنیت به عینیت تبدیل می‌شود. «ریچارد» حس مرگ را سال‌ها پیش از نگاه مادرش در کودکی به ارث برده. این میراث در روز جشن با خودکشی‌اش تمام می‌شود و حس انجام مرگ که خواسته «براون» بود، فروکش می‌کند. «مرگ شاعر» همان که «وولف» در رمان «خانم دالووی»

# نگاهی

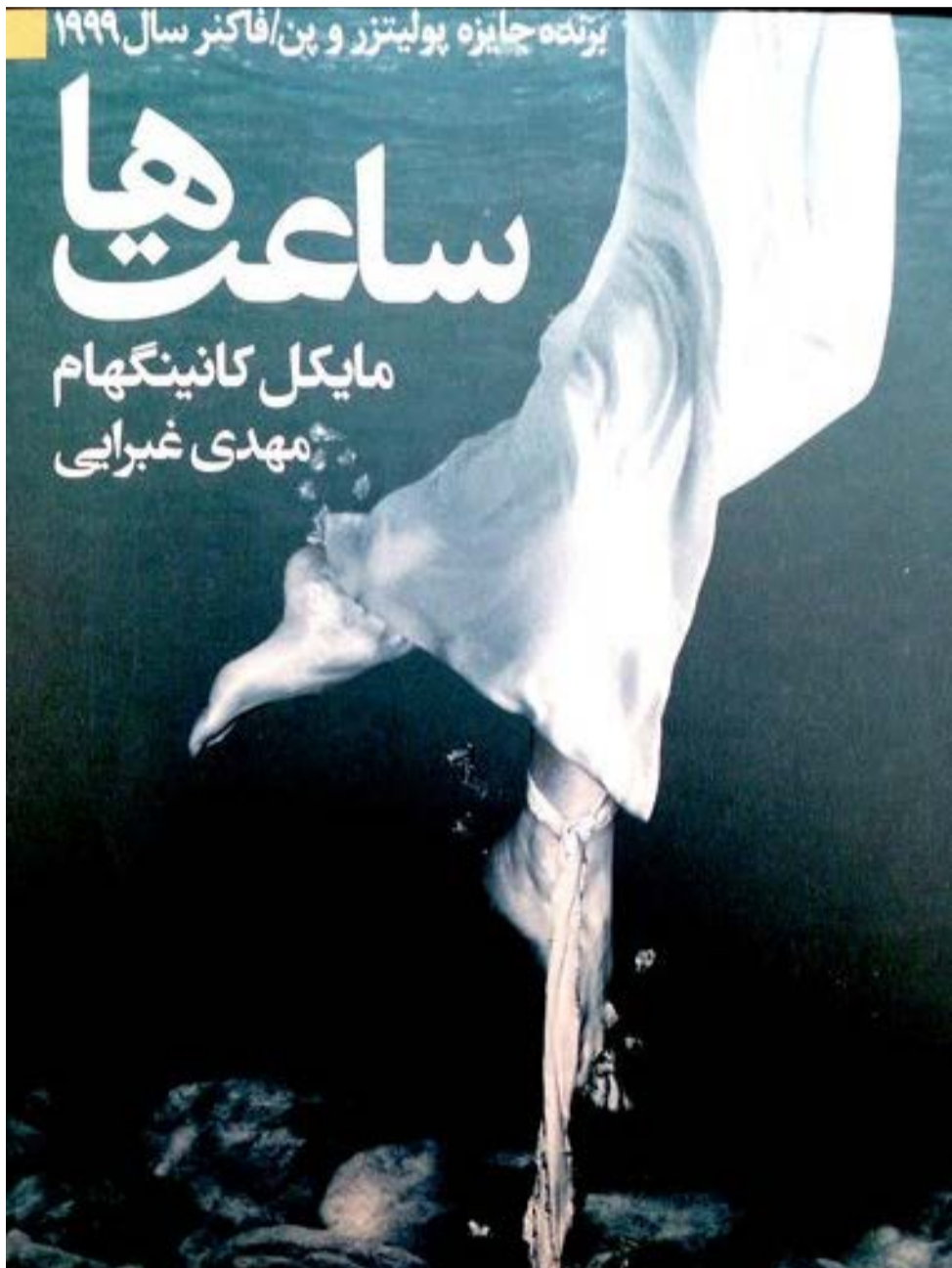
## به رمان «ساعت‌ها» نوشته مایکل کانینگهام

به آن اشاره می‌کند، در مرگ «ریچارد» شاعر تجلی می‌یابد. مرگ شاعر نقطه تخلیه و رسیدن به کاتارسیس (تزکیه) است. هیچ کس از مرگش ناراحت نیست. مرگ او درست نقطه شروع پس از پایان راهی است که ابتدا و آغازش گنگ و مبهم است. مرده‌گان رفته‌اند و زنده‌گان زنده‌اند. بخت و اقبال مرموزی که به آنان رو کرده تا زنده باشند، زنده‌گی کنند و عشق بورزند. با مرگ «ریچارد»، «کلاریسا دالووی»، کلاریسا می‌شود و «دالووی» (اسمی که ریچارد بر اساس هم‌خوانی اسم کلاریسا با خانم دالووی ویرجینیا وولف بر او گذاشته بود) به پایان می‌رسد.

رمان ساعت‌ها به زبان سوم شخص و در زمان حال اتفاق می‌افتد. دانای کل، قصه تعریف و تفسیر حالات و روان شخصیت‌ها به شیوه سیلان ذهن و مرور و کاوش در پس پشت هر چیزی می‌پردازد که در گذشته اتفاق افتاده یا در حال وقوع است. ورود به دنیای ذهنیت‌ها و تفکرات با چنان تردستی و استادی انجام شده که هر بار دنیایی جدید و متفاوت به روی خواننده گشوده می‌شود. نویسنده هم با پرسش‌ها و تحلیل‌ها و دخالت‌هایی ریز و موجز در خلال اثر، خود را دخیل و همسو با شخصیت کرده و با او به مطالعه چیزی که در شرف وقوع است یا اتفاق افتاده یا خواهد افتاد، می‌پردازد.

شی‌مداری و غلبه دنیای بی‌جان اشیا به دنیای جاندار نیز از نکات دیگر این رمان است. در تفسیر و تعریف اشیا به کوچک‌ترین نکات هم توجه شده و تا جایی که ممکن است سعی شده چیزی از قلم نویسنده نیافتد. هم‌خوانی دنیای بیرون با دنیای درون (ذهنیت‌ها)، ربط و ضبط سه شخصیت وولف، براون و دالووی، پیچیده‌گی روابط در عین ساده‌مندی آن، تعریف شرایط و محیط سه نسل، سعی بر القا و ادامه راه و روش ویرجینیا وولف در نگارش داستان (سیلان ذهن، فمینیسم و...) و جدای از این‌ها، مجرد و مستقل بودن اثر با بن‌مایه‌هایی از آثار وولف و پروسه داستانی و ارتباط این سه شخصیت (وولف خود را در رودخانه غرق می‌کند. مادر و پسر بر بالای پل روی رودخانه، آشنایی پسر با دخترتری هم‌نام «کلاریسا دالووی»، شاعر شدن پسر و خودکشی شاعر، روح وولف تا این‌جا هست و از این‌جا به بعد دیگر همه چیز تمام می‌شود). این‌ها چیزهایی هستند که می‌شود ساعت‌ها در مورد «ساعت‌ها»ی مایکل کانینگهام بحث کرد و نوشت.

و در پایان، پایانی ابهام‌آلود در عین آرامشی که بعد از مرگ بر اثر جاری و روان است؛ پایانی که علامت پرسشی را در ذهن خواننده باقی می‌گذارد. «همه چیز آماده است.» برای مرگ یا زنده‌گی؟



# شعری از رابین مظهر



خندیدی و شب‌های بی‌فردا ورق خورد  
فصل جدیدی از جهان ما ورق خورد  
خندیدی و دیوارها دروازه گشتند  
لبخندهای کهنه ما تازه گشتند  
گنجشک‌ها در مرزها سر باز گشتند  
سربازها از جنگ‌هاشان باز گشتند  
دیشب کسی عکس ترا آویخت در شهر  
دیگر کسی خونی نخواهد ریخت در شهر  
خورشید را ای کاش از فردا نگیرند  
خندیدنت را هیچ‌گاه از ما نگیرند  
بگذار تا افسانه‌ها آتش بگیرند  
خنده بکن  
دیوانه‌ها آتش بگیرند...

تاریخ‌ها، افسانه‌ها آتش گرفتند  
با خنده‌ات دیوانه‌ها آتش گرفتند  
یک شب تو در می‌خانه‌های شهر گشتی  
آن شب همه می‌خانه‌ها آتش گرفتند  
با ساز تانگو رقص کردی بین میدان  
سرها بروی شاندها آتش گرفتند  
سرها بروی شاخه‌های سرو پیچید  
آواز تو بر شاخه‌های آتش گرفتند  
گنجشک‌ها در لانه‌ها ویرانه گشتند  
اول تمام خانه‌ها آتش گرفتند  
بعدا همه ویرانه‌ها آتش گرفتند  
تو آمدی تقدیس دادی سوختن را  
تغییر دادی بار معنایی "زن" را  
آیند آهوها زیارت کردن تو  
پروانه‌ها از دورها به دیدن تو



## هلمند کپیو پولیس خپل

### ۱۱ ملگری په ډزو وژلي

د افغانستان په سوېل کې د هلمند ولایت ویاند تایید کړې چې په یوه خونړي برید کې یوه پولیس خپل ۱۱ ملگری په ډزو وژلي دي. عمرخواک د سه شنبې په ورځ (حوت/کب ۱۰مه) وویل؛ دا برید تېره شپه د هلمند مرکز لښکرگاهینار په دویمه امنیتي حوزه کې شوی.

ښاغلی خواک په دې اړه د نورو معلوماتو له ورکولو ډډه وکړه، خو ځینو نورو سرچینو ویلي، ددې وژنو عامل د طالبانو یو نفوذي دی چې د پولیسو په لیکو کې و. د هلمند د بښت روغتون چارواکو تایید کړې چې تر دې برید وروسته د ۱۱ کسانو مړي دغه روغتون ته وروړل شوي دي.

خو هلمند کې د پولیسو یوه افسر چې نه غواړي نوم یې واخیستل شي بي بي سي ته ویلي؛ په دې برید کې ۱۳ پولیس وژل شوي دي.

ځینو سرچینو بي بي سي ته ویلي؛ د پولیسو په لیکو کې د طالبانو یوه نفوذي بریدگر تېره شپه لښکرگاه کې په یوه پوځي مرکز کې پر هغو سرتېرو ډزې کړي چې ظاهراً دده ملگری وو.

ویل شوي چې دغه نفوذي کس ټنټېدلی او له طالبانو سره یوځای شوی.

طالبانو لا په دې اړه څه نه دي ویلي. خپلمنځي بریدونه له ۲۰۱۲ کال راهیسې د افغانستان امنیتي او دفاعي ځواکونو ترمنځ پېر شو او دا ډېروالیې په دولتي چارواکو کې اندېښنې راپورته کړي.

دغو بریدونو د نړیوالو ځواکونو لیکو ته هم لاره وکړه چې تر ډېره ورته "شین پر آبي" بریدونه ویل کېږي، ځکه چې د طالبانو نفوذي کسانو د افغانستان د پوځ له یونیفورم نه کار اخلي.

شین رنګ د افغانستان د پوځ سرتېرو شني خولۍ او آبي د نړیوالو ځواکونو آبي خولۍ ته اشاره کوي.

د خپلمنځي بریدونو تر ډېرېدو وروسته، په امنیتي ځواکونو کې د مخالفو اورپکو د نفوذ مخنیوي لپاره دولت سخت تدابیر په پام کې ونیول.

په لښکرگاهینار کې د پولیسو په مرکز کې د تېرې شپې برید نه داسې ښکاري چې په امنیتي ځواکونو د طالبانو د نفوذي کسانو شتون لا هم جدي مساله ده.

## بحران روز افزون در روابط کابل - اسلام آباد

# جنرال مرادسفير پاکستان را احضار کرد

بود. هرچند عمر زاخيل وال سفير افغانستان در اسلام آباد اين موضوع را رد می کند؛ اما منابع گفته اند که ارتش پاکستان او را فراخوانده بود و در صورت عدم تسلیمی ۷۴ تروریست به وی هشدار داده بود.

اکنون، وزارت دفاع افغانستان در یک عمل نادر سفير پاکستان را احضار کرده و واکنش شدید خود را به حملات توپخانه‌یی و آزار و اذیت مهاجرین ابراز داشته است.

پیشتر، وزارت خارجه افغانستان در یکونیم هفته سه بار سفير پاکستان را احضار و واکنش خویش را به اقدامات اخیر پاکستان ابراز داشته بود.

روابط افغانستان و پاکستان به بدترین حالت در پانزده سال اخیر رسیده است.

پاکستان از دو هفته بدین سو مرزهای خویش را به روی افغانستان بسته است.

تجار افغانستان نشست ایکو را تحریم کرده و دولت هیأتی پایین رتبه را به نشست فرستاده است. در پانزده سال اخیر روابط دو کشور تا این اندازه تیره نشده بود.



احضار کرده و نکته نظرات افغانستان را قبیل حملات راکتی و مواضع اخیر پاکستان ابراز داشته است.

پیش از این ارتش پاکستان در یک عمل مشابه سفير افغانستان در اسلام آباد را احضار کرده

ماندگار - وزارت دفاع افغانستان در واکنش به اقدام ارتش پاکستان، سفير این کشور را در کابل احضار کرد.

جنرال مراد علی مراد، معاون رییس ستاد ارتش و فرمانده نیروهای زمینی کشور، ابرارحسین را

## تحریم پاکستان به عنوان کشور حامی تروریسم



نویسنده: اندرس کور، کارشناس اطلاعاتی، مبارزه با تروریسم، امنیت فضایی و فراغ التحصیل دانشگاه هاروارد است. او سالهای زیادی در افغانستان به عنوان کارشناس ایفای وظیفه نموده است و از نزدیک با مسایل خاورمیانه، افریقا و امریکای لاتین آشنا است.

برگردان: بهار مهر

منبع: مجله فوربس

در دو هفته گذشته پاکستان مرز با افغانستان را بسته است و با حملات نظامی و توپخانه سنگین به خاک افغانستان حمله نموده که باعث بی جا شدن ۲۰۰ فامیل گردیده است. پاکستان ادعا می کند که این تدابیر برای مبارزه با تروریست‌ان اطرف مرز است؛ اما پاکستان با این عمل افغانستان را تنبیه اقتصادی می کند و اوضاع خود را به عنوان منبع اصلی تروریسم در جنوب آسیا و آسیای مرکزی بغرنج می سازد.

پاکستان حامی طالبان، شبکه حقانی، دولت اسلامی (داعش) و القاعده است. برای متقاعد کردن پاکستان به قطع حمایت از تروریسم، کشورهای صاحب نفوذ باید پاکستان را کشور حامی تروریسم لقب دهند و تحریمهای اقتصادی بر آن کشور اعمال نمایند.

پاکستان تلاش می کند افغانستان را به حیاط خلوت خود تبدیل کند و دولت آن را تحت نفوذ خود قرار دهد. این کشور به دنبال «عمق

افغانستان در ۲۰۱۶ انجام داد احترام بگذارد؛ هم چنان ایالات متحده و چین؛ چنانچه افغانستان شنبه گذشته رسماً از طرفها خواست تا به آن احترام کنند. علاوه بر آن، دولت افغانستان طالبان را به گفتگوها دعوت کرد؛ اما طالبان آنرا رد نموده اند. حالا باید پاکستان در مورد طالبان تروریست اطرف مرز در پاکستان اقدام نماید. این اقدام تا زمانی به لحاظ سیاسی از دورن پاکستان ناممکن است که ایالات متحده و اتحادیه اروپا اقدامات شدید و سخت اقتصادی و دیپلماتیک را به اجرا بگذارند.

اکنون زمان آن است تا پاکستان کشور حامی تروریسم لقب گیرد و از تحریمهای هدفمند در برابر اهداف انتخاب شده نظامی - استخباراتی و شرکت های وابسته پاکستانی آنها، حمایت شود.

استراتژیک در افغانستان» در رقابت با هند است و در پی نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی بر دولت افغانستان است تا نفوذ ایرانی ها را محدود کند. پاکستان این اهداف را با حملات نظامی، تروریسم دولتی، ابزار اقتصادی و تنبیه اقتصادی مانند بستن مرزها انجام می دهد.

افغانستان کشوری محاط به خشکه است؛ اما این کشور حیاط خلوت هیچ کسی نیست. این کشور مستقل با دیموکراسی بسیار شکننده برای ۳۰ میلیون انسان و تحت محاصره توسط تروریست است.

دولت منتخب دیموکراتیک افغانستان، به حمایت پاکستان در مبارزه علیه دهشت افگنی نیاز دارد. مبارزه افغانستان برای تامین و تسهیل صلح و توسعه برای شهروندان اش، شایسته این حمایت و پشتیبانی است.

پاکستان باید بر تعهدات اش در مذاکرات گروه هماهنگی چهارجانبه «نقشه راه» که با دولت

## ۵۰ کشور اوضاع سیاسی افغانستان را در جده بررسی کردند



عضوی مهمی در سازمان همکاری اسلامی به شمار می آید.

وی گفت که سازمان همکاری اسلامی برای برگزاری کنفرانسی بین المللی در سطح افراد آگاه درخصوص صلح و امنیت در افغانستان تلاش می کند تا در تحقق آشتی ملی در این کشور سهیم باشد.

بخیت اظهار کرد، گروه تماس که با نظارت آلمان در سال ۲۰۰۹ ایجاد شد، تبدیل به تریبونی برجسته شده است که از طریق آن هماهنگی ها در مورد تلاش ها و طرح های بین المللی با هدف تحقق صلح و ثبات در افغانستان صورت می گیرد.

دبیرخانه سازمان همکاری اسلامی روز سه شنبه در جده میزبان نشست گروه تماس بین المللی ذی ربط درخصوص افغانستان بود.

هدف از این نشست که در آن هیأت های بی بیش از ۵۰ کشور حضور دارند، بررسی اوضاع سیاسی، امنیتی، تحولات کنونی و راه های حمایت از افغانستان در این مرحله است.

طارق بخیت، مدیرکل اداره امور سیاسی در سازمان همکاری اسلامی در مصاحبه با روزنامه فرانطقه ای الشرق الاوسط گفت که میزبانی دبیرخانه از نشست گروه تماس بین المللی ذی ربط درخصوص افغانستان برای دومین بار به منظور تأکید بر اهمیت اوضاع و شکوفایی این کشور است که

**فیسبوک نامه**

فرید مزدک



افغانستان سرزمین درگیری‌ها و کشمکش‌های گوناگون! آن‌جا همه با هم در گیراند، رهبران، گروه‌های سیاسی و محلات با هم درگیراند. هیچ نیروی با نیروی دیگر نمی‌تواند کار مشترک کند. برای مصالحه ملی در قاموس سیاسی ما تا حال جای وجود ندارد. حتی حکمتیار و طالب هم با حفظ گذشته مشترک، نمی‌توانند کار مشترک کنند، تعمیل پروژه برگرداندن آقای حکمتیار بنابر همین دلیل ناممکن می‌نماید. تمام نقشه‌های راه را سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای حاکم بر افغانستان پیش می‌کشند. نیروهای همگون و افزاز همگون در مواضع ناهمگون و برای تأمین منافع قدرت‌ها و کشورهای درگیر در افغانستان، میدان بازی را در اختیار دارند. امکانات بزرگ غربی‌ها به جای آنکه به سود آبادی وطن و آرامی مردم به کار گرفته می‌شود، برای تحقق نقشه‌ها و باورهای تمامیت‌خواهانه گروه‌های سیاسی مورد حمایت‌شان مصرف و بر باد شده است. حالت موجود دولت-کشور و حامیان خارجی‌اش را به پیش نمی‌برد، به زیر می‌برد.

احمد فهیم حکیمی



یک لشکر خفته برای شرارت و اذیت شهروندان. از یک طرف دل هر انسان با احساس برای افرادی در زیر پل سوخته در آن حال ابر و وضعیت‌کننده اعتیاد قرار دارند خون شده و می‌سوزد، از طرفی دیگر، تلاش برای بقای حیات در عالمی از بی‌مسئولیتی مقامات، این افراد دست به اعمالی می‌زنند که نظم عامه را مختل کرده و مصونیت شهروندان را در محل و ماحول طور جدی صدمه می‌زنند.

طور مثال، چنین فرد با تکه پارچه‌یی که در بین آن سنگی پنهان است، وانمود می‌کنند که شیشه‌یی موثرها را پاک می‌کنند. در عین حال، موثرترانسان را تهدید کرده که پول بدهند، در غیر آن، شیشه موثر را می‌شکنند و به زیر پل فرار می‌کنند! اگر کسی یکی آنان را تعقیب کند، چند نفرشان با پیچکاری‌های استفاده شده در زیر پل، منتظر پذیرایی می‌باشند. اگر مسوولان در اینمورد بیشتر غفلت کنند، عبور و مرور وسایط و بودویاش مردم محل به مشکلات عدیده‌یی امنیتی مواجه می‌شود. موجودیت این لشکر بیکار و معتاد تهدیدی جدی برای امنیت فردی و اجتماعی برای احاد شهروندان است!

کام‌بخش نیکویی



نخبه سیاسی افغانستان، به همان اندازه‌یی که فاقد شناخت دقیق از وضعیت سیاسی، اجتماعی-اقتصادی افغانستان است، به همان اندازه فاقد درک درست از مناسبات اجتماعی و ساختارهای سیاسی چه در روکرد داخلی و چه در روکرد خارجی است. این در واقع نقص جدی است که توانسته پایگاه‌ها و پایست‌های دانشی و معرفتی جریانات و احزاب سیاسی و نخبه‌گان سیاسی افغانستان را ضربه زده و نهاده‌ها و نخبه‌گان سیاسی را در یک سر درگمی و کج‌راهی قرار داده است که توان تعامل و تعادل را با یکدیگر ندارند. از نوع برخورد و نوع اعلام مواضع جریانه‌ها؛ چه به صورت شفاهی و چه به صورت مکتوبی و تا گفت‌وگوهای رو درروی، به وضوح دیده می‌شود که توان درک و تحمل یکدیگر را ندارند و پیوسته تلاش می‌کنند به نحوی، مباحث و اگرایی را به جای هم‌گرایی فریه سازند. این فرضیه درواقع چنین حکم می‌کند که نخبه سیاسی افغانستان درک درستی از مناسبات اجتماعی-سیاسی ندارد و بیش از همه، تأکید برمنفی‌بافی و حربه‌کشیدن به رخ یکدیگر را دارند و توان تحمل و درک یکدیگر را برای مبارزه مشترک و کار مشترک ندارند.

هر جریانی و گروهی، فکر می‌کند حرف حق را همان می‌زند و بس. و حرف و مواضع دیگران را کفر محض و یا هم یاوه خطاب می‌کنند! متأسفانه این مشکل در هردو کانون هم نیروهای با تفکر چپ و نیروی‌های با تفکر راست لیبرال و اسلام‌گرا یافت می‌شود و نوع برخورد این گروه‌ها با یکدیگرشان تا هنوز متأسفانه ایدئولوژیک و رفتار قرن بیستمی است.

بنابراین، به نظر، تا زمانی نخبه سیاسی افغانستان، نتواند تعامل با دیگری را تمرین کند و روی مواردی -ولو کوچک- تعامل نکند و از برخوردهایی سلیقه‌یی، سمتی و زبانی و قومی گذار نکند، نمی‌توان سازوبرگ درستی را برای طرح گذار از وضعیت نامطلوب به یک وضعیت مطلوب مطرح کرد، چرا که وضعیت امروزی یک وضعیت آشوب در آشوب و جنگ همه در برابر همه است.

**کشور**  
جهان‌نا

**ترامپ: اوباما اعتراضات علیه من را سازماندهی می‌کند**

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با فاکس نیوز اعلام کرد که رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا پشت اعتراضات و تظاهرات‌های گسترده علیه ترامپ در این کشور است. ترامپ در پاسخ به سؤال مجری فاکس نیوز مبنی بر این‌که آیا اوباما می‌تواند در سازماندهی اعتراضات و تظاهرات علیه ریاست‌جمهوری او در سراسر آمریکا نقش داشته باشد یا خیر، گفت که به‌نظر او اوباما در این جریان دست دارد.

ترامپ در این باره گفت: نه، به‌نظر من او پشت این جریان است و همچنین تصور می‌کنم این روش سیاست است. آقای ترامپ ادامه داد: شما هرگز متوجه نمی‌شوید که دقیقاً چه اتفاقی پشت صحنه در حال رخ‌دادن است، شما هرگز نخواهید فهمید.

این اظهارات ترامپ در خلال افزایش انتقادات به او در رسانه‌ها و همچنین گسترش اعتراضات سراسری به او پس از پیروزی در انتخابات ماه نوامبر مطرح شد. رئیس‌جمهوری آمریکا تأکید کرد که به‌اعتقاد او معترضان که در خیابان‌های آمریکا علیه ریاست‌جمهوری او شعار می‌دهند آشوبگرهای حرفه‌یی هستند.

**دبیرکل سازمان ملل:**

**نادیده گرفتن حقوق بشر یک بیماری است**

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد روز گذشته با بیان این‌که نادیده گرفتن حقوق بشر یک "بیماری" است، از کشورهای عضو خواست در مواجهه با افزایش پوپولیسم و افراط‌گرایی بر حقوق تمام مردم صحنه بگذارند.

گوترش در سخنرانی افتتاحیه اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو با انتقاد از گرایش به پوپولیسم و افراط‌گرایی گفت که معمولاً این دو گرایش همدیگر را تقویت می‌کنند.

گوترش که برای اولین‌بار پس از تصدی مقام دبیر کل سازمان ملل در شورای حقوق بشر سازمان ملل سخنرانی می‌کرد، از دولت‌های جهان خواست که به شیوه‌یی بی‌طرفانه از حقوق بشر دفاع کنند.

گوترش در سی و چهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل افزود: بی‌اعتنایی به حقوق بشر یک بیماری است که در حال گسترش در اطراف و اکناف جهان است و شورای حقوق بشر (سازمان ملل) باید بخشی از درمان این مشکل باشد.

او جهان امروز را جهانی خطرناک‌تر و پُر هرج‌ومرج و کم‌تر قابل پیش‌بینی توصیف کرد و تأکید کرد که پیشگیری از نقض حقوق بشر باید اولویت داشته باشد. او همچنین تأکید کرد که باید به ریشه‌های مناقشه‌ها پرداخت و به موارد نقض حقوق بشر به‌طور سریع و موثر رسیدگی کرد.

دبیرکل سازمان ملل همچنین خواستار محافظت از مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران شد و وجود آنان را برای "نظارت و موازنه" در هر جامعه‌یی ضروری دانست.

**شورای امنیت درباره تحریم سوریه رأی می‌گیرد**

شورای امنیت سازمان ملل متحد امروز سه‌شنبه درباره پیش‌نویس قطع‌نامه‌یی رأی‌گیری خواهد کرد که تحریم‌هایی را علیه سوریه به اتهام استفاده دولت این کشور از سلاح‌های شیمیایی وضع خواهد کرد. در گزارشی از سازمان ملل متحد آمده است که قرار است این رأی‌گیری در ساعت ۱۱،۳۰ دقیقه صبح (به وقت محلی) برگزار شود.

قطع‌نامه پیشنهادی از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه، تحریم‌هایی را علیه ۱۱ مقام سوری و ۱۰ شرکت مرتبط با حملات شیمیایی جنگ داخلی تقریباً شش ساله در سوریه اعمال خواهد کرد.

این قطع‌نامه همچنین فروش، تأمین یا انتقال بالگرد و کلاه‌های مربوطه از جمله قطعات یدکی را به نیروهای مسلح یا دولت سوریه منع می‌کند. پیشنهادها در این زمینه به دنبال تحقیقات سازمان ملل در اکتبر گذشته مطرح شد، که در آن ادعا می‌شد، بالگردهای نیروی هوایی سوریه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ از بمب‌های بشکه‌یی حاوی کرین در حمله به سه روستای تحت کنترل مخالفان (تورویستان) استفاده کرده است.

سازمان ملل و سازمان منع استفاده از تسلیحات شیمیایی (OPCW) نیز در نشست مشترکی به این نتیجه دست یافت که تورویستان وابسته به داعش از گاز خردل در حمله سال ۲۰۱۵ استفاده کرده‌اند.

روسیه اعلام کرده که از حق وتوی خود برای جلوگیری از تحریم سوریه استفاده خواهد کرد. این هفتمین‌بار است که مسکو با توسل به رأی وتو از متحدش، دمشق (در مقابل تحریم‌ها) محافظت کرده است. ولادیمیر سافرونکوف، معاون نماینده دائمی سوریه در سازمان ملل متحد روز جمعه گذشته گفت که مسکو قطع‌نامه ضدسوری را تحریم می‌کند، زیرا «یکطرفه» و براساس «ادله ناکافی» است.



**فرشاد نور تیم ملی افغانستان را در مقابل ویتنام همراهی می‌کند**



فرشاد نور، بازیکن با استعداد افغانستانی که در لیگ برتر هالند توپ می‌زند، از سفارت افغانستان در هالند گذرنامه دریافت کرد تا تیم ملی کشورش را در بازی مقابل ویتنام همراهی کند. اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان از دریافت گذرنامه افغانستانی توسط یکی از بازیکنان این تیم خبر دادند.

انوش دستگیر، کمک مربی تیم ملی فوتبال افغانستان در این خصوص گفت: فرشاد نور صبح امروز (دیروز) با حضور در سفارت افغانستان در هالند، گذرنامه افغانستان را دریافت کرده است. او افزود: با دریافت گذرنامه، فرشاد نور در اردوی قطر و در دیدار حساس مقابل ویتنام تیم ملی را همراهی خواهد کرد. فرشاد نور یکی از بازیکنان مستعد افغانستان در لیگ برتر فوتبال هالند است. آقای نور در باشگاه «روداکرکرا» تیم هفدهم لیگ برتر هالند عضویت دارد و اولین بازیکنی است که از یک تیم لیگ برتر اروپا به جمع تیم ملی افغانستان می‌پیوندد.

پس از رأی‌زنی‌های فراوانی که کادر تیم ملی فوتبال افغانستان با مدیر برنامه‌های این بازیکن افغانستانی انجام داد، سرانجام او از پوشیدن پیراهن تیم ملی و عضویت در تیم فوتبال افغانستان استقبال کرد.

**مسابقات گزینش اعضای تیم منتخب کشتی آزاد آغاز شد**



مسابقات گزینش تیم منتخب کشتی آزاد افغانستان، به منظور راهیابی به رقابت‌های ورزشی همبسته‌گی کشورهای اسلامی آغاز شد.

محمد یونس حیران، منشی عمومی فدراسیون کشتی کشور، در یک نشست خبری در کابل گفت که این مسابقات، با حضور ۶۰۰ ورزشکار از ۵۲ کلب شهر کابل برگزار شده است.

آقای حیران افزود که این ورزشکاران در هشت وزن ۵۷، ۶۱، ۶۵، ۷۰، ۷۵، ۸۱، ۹۷ و ۱۲۵ کیلوگرام طی چهار روز به رقابت می‌پردازند و قرار است افراد منتخب هر وزن، از کابل با نماینده‌گان منتخب ولایات در چهار روز آینده به رقابت بپردازند.

به گفته حیران، در پایان این مسابقات، هشت تن در وزن‌های مذکور به نمایندگی از افغانستان در بازی‌های ورزشی کشورهای اسلامی که قرار است در ماه ثور سال آینده در شهر باکو پایتخت آذربایجان برگزار شود، شرکت کنند. احمد زبیر که در وزن ۶۱ کیلوگرام در این مسابقات شرکت کرده است، گفته است: "شش سال می‌شود که ورزش پهلوانی می‌کنم و از شش ماه بدین‌سو، برای این مسابقات آماده‌گی گرفته‌ام."

آقای زبیر ابراز امیدواری کرد که با پیروزی در این مسابقات و کسب سهمیه بازی‌های کشورهای اسلامی در آذربایجان، بتواند برای کشور افتخارآفرینی کند.

کشتی آزاد و کشتی فرنگی، یکی از دو سبک کشتی است که در سطح بین‌المللی شناخته شده است و رسمیت دارد.

در کشتی آزاد، همچون کشتی کج و کشتی فرنگی، هدف اصلی چسباندن شانه حریف بر دوشک است، که به پیروزی فوری (ضربه فنی) منجر می‌شود و برخلاف کشتی فرنگی، کشتی‌گیران اجازه گرفتن پای حریف و استفاده از پای خود را ندارند.

# Mandegar

## شورای ولایتی هرات:

# فقر و بیکاری مهم‌ترین عامل بدامنی است



از کارکردن در آن ولایت عاجز بماند و با وضعیت موجود آشنایی پیدا نکند.

سرخنگوی فرماندهی پولیس ولایت هرات نیز تعداد نیروهای امنیتی این ولایت را کافی نمی‌داند و می‌گوید، در هراتی که تقریباً چهار میلیون نفوس دارد، رقم نیروهای امنیتی کافی نیست. او بیان داشت: "ما این مسأله را با مرکز در میان گذاشته‌ایم و آنان وعده سپرده‌اند که به زودی در ولایت هرات نیروهای بیشتر اعزام می‌کند."

آقای عبدالاحد ولی‌زاده در پیوند به رویدادهای اخیر این ولایت که سبب نگرانی مردم شده، اطمینان می‌دهد که نیروهای امنیتی شب و روز در پی تأمین امنیت بهتر در این ولایت هستند و به زودی امنیت این ولایت دوباره به حالت عادی در خواهد آمد.

نیافته، بل نسبت به سال‌های گذشته کاهش را نشان می‌دهد.

عبدالاحد ولی‌زاده، سرخنگوی فرماندهی پولیس ولایت هرات در این زمینه می‌گوید: "درست است که در روزهای اخیر یک سری موارد به وجود آمده و امنیت را تا حدی مختل کرده است، اما بدامنی ولایت هرات نسبت به سال‌های گذشته افزایش نیافته است."

آقای ولی‌زاده می‌گوید، مسوولان امنیتی که در این ولایت گماشته می‌شوند، پس از نشست و برخاست با مردم و بزرگان ولایت از وضعیت موجود در این ولایت شناخت کافی به‌دست می‌آورند. او گفت: "اگر مسوول یک ارگان امنیتی در یک ولایت دیگر گماشته می‌شود به این معنا نیست که آن مسوول

معاون مجمع مشورتی هرات در ادامه سخنانش با انتقاد از حکومت مرکزی اذعان داشت: کادرهای امنیتی در هرات نه براساس لیاقت، بل براساس روابط گماشته می‌شوند که همین امر سبب افزایش نامنی‌ها در این ولایت شده است.

معاون مجمع مشورتی هرات هشدار می‌دهد، در صورتی که امنیت در این ولایت درست تأمین نشود، مردم هرات دست به تظاهرات گسترده و تحسن خواهند زد.

از سوی هم، داوود عرفان، استاد دانشگاه هرات در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید که بی‌توجهی دولت برای ایجاد اشتغال سبب شده است تا جوانان دست به اختلال امنیت ولایت هرات بزنند.

آقای عرفان می‌افزاید که دولت وحدت ملی در نزدیک به سه سال هیچ برنامه‌ی را برای ایجاد اشتغال برای جوان روی دست نگرفته که به همین دلیل جوانان زیادی با سندهای معتبر تحصیلی بیکار هستند و این امر موجب شده تا آنان رو به سرقت، قتل و آدم‌ربایی بیاورند.

آقای عرفان هم‌چنان می‌افزاید که مسوولان امنیتی نیز براساس روابط گماشته می‌شوند و افراد گماشته شده در قسمت تأمین امنیت آن‌جایی که باید، موفق نیستند.

او می‌گوید: "دولت وحدت ملی به کادرهای فعال بومی که شناخت بهتری از وضعیت هرات دارند و با وضعیت اجتماعی و امنیتی این ولایت کاملاً آشنا هستند، اعتماد نمی‌کنند و کسانیکه از بیرون به عنوان کارگزاران امنیتی در ولایت هرات گماشته می‌شوند، نمی‌توانند اقدامات پیش‌گیرانه در این مورد انجام بدهند تا بتوانند امنیت این ولایت را بهتر تأمین کنند."

اما مسوولان امنیتی ولایت هرات برخلاف ادعای مردم می‌گویند، بدامنی در این ولایت، نه تنها افزایش

### حمیدی فرهادی-هرات

ولایت هرات از جمله ولایت‌های غربی کشور است که همواره به دلیل ناامنی‌ها، خیرساز می‌شود. اما در چند هفته اخیر، این ناامنی‌ها شدت یافته و سبب نگرانی شهروندان این ولایت شده است.

براساس گزارش‌ها، در سال روان هجری، در نتیجه ترور، آدم‌ربایی و سرقت‌های مسلحانه، بیش از ۵۰ تن کشته و ۳۰۰ تن دیگر زخم برداشته‌اند.

شهروندان هرات با انتقاد از کم‌کاری نیروهای امنیتی، می‌گویند که همه ساله به جای این که آمار و ارقام رویدادهای جنایی در این ولایت کاهش پیدا کند، به صورت سرسام‌آوری افزایش می‌یابد.

درگیری‌های مسلحانه، ترور، آدم‌ربایی و سرقت از مهم‌ترین عوامل ناامنی در هرات عنوان می‌شود. مهدی حدید، مسوول امنیتی شورای ولایتی هرات به روزنامه ماندگار می‌گوید: نبود اشتغال، فقر، عدم کنترل مناسب جوانان توسط خانواده‌ها و بی‌توجهی علمای دینی در قسمت تقویت عقیده جوانان در راه درست سبب شده است که جوانان هرات امنیت این ولایت را تهدید کنند.

آقای حدید می‌افزاید، کمبود کمیته نیروهای امنیتی این ولایت نیز ناکافی است. از سوی هم، نیاز است تا نیروهای امنیتی در قسمت مبارزه با هراس‌افکنان باید برخورد جدی و قاطع داشته باشد.

در همین حال، محمد قاسم فقیری، معاون مجمع مشورتی هرات، ناامنی‌های موجود در این ولایت را اثر دخالت کشورهای همسایه می‌داند و می‌گوید: "ولایت هرات به دلیل اهمیت جغرافیایی، عمداً از سوی کشورهای همسایه مورد اختلال امنیتی قرار می‌گیرد."

به گفته آقای فقیری، هرچند رییس‌جمهور غنی در سفرش به هرات وعده سپرده که در قسمت تأمین امنیت این ولایت اقدامات جدی را روی دست می‌گیرد، اما نه تنها امنیت بهبود نیافت، بل هرروز امنیت در هرات وخیم می‌شود.

آقای فقیری نیز از نبود پرسنل کافی در صف نیروهای امنیتی این ولایت انتقاد می‌کند و اظهار می‌دارد: "از لحاظ سیستم حکومتی، هرات نباید با ولایت‌های دیگر مقایسه شود؛ چون این ولایت از لحاظ ترکیب نفوس و اهمیت استراتژیک، نیازمند تدابیر امنیتی بیشتر است."

# ریشه‌های جنگ افغانستان



### هارون مجیدی

کتاب «ریشه‌های جنگ در افغانستان» که به تازه‌گی از نشانی انتشارات سعید به نشر رسیده، پژوهشی است از عبدالمنان دهمزاد، روزنامه‌نگار و پژوهش‌گر فعال که او در این اثر کوشیده تا ریشه‌های جنگ در کشور را دریابد.

عبدالحفیظ منصور پژوهش‌گر و نماینده مردم در مجلس، در یادداشتی که در این کتاب زیر عنوان «بستر داخلی یک جنگ» نوشته، گفته است: سیاست‌مداران افغانستان را عادت براین است که عوامل جنگ دوام‌دار این کشور را به مداخله و دست‌درازی قدرت‌های خارجی نسبت می‌دهند و مردم افغانستان را یک‌سره بی‌تقصیر ثابت می‌سازند. چنین طرز دیدی از یک‌سو مردم افغانستان را دربست، منفعل، فاقد توان و تحرک به حساب آورده که بسی پندار نادرست است، از پهلوی دیگر، امیدها

جنگ در افغانستان، از چندین دهه است که ادامه دارد و در مقاطع مختلف، موضوعات بی‌شماری سبب مشتعل‌ماندن تنور جنگ در این کشور شده است. شماری را باور بر این است که یکی از عوامل ادامه جنگ در کشورهای جهان سوم و به‌ویژه افغانستان، نبود کارهای پژوهشی و تحقیقی در این زمینه است که در بسا موارد سیاست‌مداران و حکومت‌گران به جای پیدا کردن ریشه‌های جنگ و ادامه آن در کشور، به دنبال تیوری توطیه بوده‌اند.

اگر پژوهش‌گری و یا دانشجویی در پی پژوهش عوامل و ریشه‌های جنگ در کشور باشد، جدای از مقالات روزمره و روزنامه‌ی، با کارهای درخوری که واقع‌بینانه با جنگ افغانستان برخورد کرده باشد و منصفانه به ریشه‌یابی پرداخته باشد، بر نمی‌خورد.

پیروزی، دیری نمی‌گذرد که رهبری این گروه را خوکی به‌اسم «ناپلئون» به عهده می‌گیرد، او شروع به بهره‌کشی از حیوانات مزرعه کرده و هرگونه مخالفت در برابر خود را بی‌رحمانه سرکوب می‌کند. در واقع، چنان ظلمی را در حق دیگر حیوانات روا می‌دارد که بی‌عدالتی مالک پیشین مزرعه، همه از یاد و خاطره می‌رود.

آقای دهمزاد در کتاب ریشه‌های جنگ افغانستان، روی مهم‌ترین عوامل تداوم و تشدید جنگ کنونی افغانستان، انگشت گذاشته و سعی کرده که ریشه‌های جنگ افغانستان را به گونه روشن پیشکش خواننده‌گان کند. مسایلی که در این مجموعه به آن پرداخته شده، در سال‌های اخیر به مهم‌ترین گفتمان‌های سیاسی مردم افغانستان تبدیل شده است.

نویسنده باورمند است که اگر قرار بود این بحث‌ها با دروغ و فریب و اندرزه‌های اخلاقی حل می‌شد، ما امروز در وضعیت فعلی قرار نداشتیم. او گفته است که درست است که اینک جنگ کنونی افغانستان منطقه‌ی و فرا منطقه‌ی شده است؛ اما باید علت آن را در سیاست‌گذاری‌ها و بازی‌های درون کشوری جست‌وجو کرد.

نویسنده باورمند است، تا زمانی که سیاست‌گران این کشور تکلیف خود را در برابر آنان روشن نکنند، این کشور گامی به پیش نه‌نهاد و روی آرامی و ثبات را نخواهد دید.

گفتنی است که کتاب «ریشه‌های جنگ افغانستان» را رفیع جسور برگ‌آرای کرده و طرح جلد بر آن ریخته و در هزار نسخه به نشر رسیده است.

این کتاب منبع خوبی برای شناخت ریشه‌های جنگ در افغانستان است و می‌تواند پژوهش‌گران و سیاست‌مداران را کمک کند تا بعد از شناخت این ریشه‌ها در پی جلوگیری از ادامه جنگ در کشور باشند.

را به سوی اجانب معطوف داشته تا مگر از روی ترحم، دست از خون‌ریزی و کشتار در افغانستان بر دارند و برای اقامه صلح و امنیت دست به کار شوند؛ چیزی که تا هنوز تحقق پذیرفته و در آینده نیز چنین امیدی جامه عمل نخواهد پوشید.

آقای منصور در ادامه این یادداشت، یادآور شده است که در سال‌های پسین، پاره‌ی از نویسنده‌گان با رویکرد تازه به جنگ افغانستان نگریسته‌اند. در این رویکرد به شناسایی ریشه‌های جنگ در درون افغانستان پرداخته شده است. عدم مشخص بودن مرز شرقی افغانستان، تبارگرایی، بحران هویت، ابهام در مقوله منافع ملی و ساختار متمرکز سیاسی اداری این کشور، به‌حیث بندهای خبیثه شناخته شده که با اندک آب خارجی رشد می‌کنند و فقر، بی‌سوادی، نفاق و برادرکشی بار می‌آورند.

عبدالمنان دهمزاد، نویسنده کتاب «ریشه‌های جنگ افغانستان» در مقدمه این کتاب نوشته است: پس از فروپاشی رژیم طالبان، گمانه‌زنی بر این بود که این کشور به سمت پسمانزعه و جنگ به پیش می‌رود. حضور کشورهای قدرت‌مند جهان، در رأس ایالات متحده آمریکا، به این امیدها افزود، ولی بعدها معلوم شد که داستان حضور امریکایی‌ها و مبارزه آنان در برابر دهشت‌افگنی در این جغرافیا، شبیه همان داستان معروفی است که جورج اورول در «قلعه حیوانات» به تصویر کشیده است.

آقای دهمزاد در ادامه نوشته است: اوول در رمان معروفش، به گروهی از حیوانات می‌پردازد که در یک اقدام آرمان‌گرایانه و انقلابی، می‌خواهند انسان‌ها را خلع صلاحیت کرده و زمین‌هایشان را خود به‌دست گیرند تا عدالت، برابری و رفاه را به حیوانات به ارمغان آورند. آنان کمر بستند تا سایه انسان را از بالای خود دور کنند، سرانجام، دست به سرکشی و انقلاب زدند و پیروز شدند. پس از